

ص ۲

به مناسبت ۳۷ - مین سالگرد شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

"حزب ما حزب استعمار شکن و مدافع استقلال و تمامیت ارضی خاک کشور است. مقاصد اجتماعی حزب ما همه از منبع بشر دوستی و احترام به انسانیت و خدمت به مردم آب می خورد. ما می خواهیم برای همیشه به استثمار انسان از انسان که مادر همه مقاصد اجتماعی است خاتمه بدheim".



شماره ۴۵۳، دوره هشتم
سال یازدهم، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۴

اطلاعیه مطبوعاتی

باردیگر خطر اعدام جان ده هازندانی سیاسی ایران را تهدید می کند!

خبر رسیده از منابع موقق حاکی است که رژیم استبدادی حاکم بر ایران تدارک اعدام ۴۴ تن از زندانیان سیاسی ایران را در زندان های خود می بیند. افزون براین تبلیغات و سازماندهی کسرتده ای از سوی رژیم ارجاعی انجام می شود تا زمینه لازم برای اعدام عده قابل توجهی از دستکردهای خادمه اخیر خیزش اعتراضی زحمتکشان شهرک "اسلام شهر" (اکبرآباد) را فراهم سازد.

با توجه به تشدید بحران سیاسی - اقتصادی رژیم، درماههای اخیر، آکاهانه تشدید سرکوب و خفغان را به مثاله یکانه شیوه مقابله با نارضایتی اوج کبرنده مردم برگزیده است و برای سریوش کذاردن براین اعمال ضد انسانی و برای هرچه بیشتر محدود کردن مطبوعات کشور و اعمال سانسور و خودسازی، فشار برآنان را تشیدید کرده است. از جمله غونه های این تلاش تاریک اندیشان حاکم را می توان در به تعطیل کشانده شدن ماهنامه "پرسی های تاریخ ایران"، نشریه "جهان اسلام"، مجله "تکاپو" و هفته نامه "پیام دانشجو" مشاهده کرد.

حزب توده ایران تشدید خفغان و سرکوب و برنامه جنایتکارانه حکام رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه در ص ۵

جنیش کارگری و کمونیستی ایران

در پیرو اپرور طایف دشوار و سرنوشت ساز

نیروهای متقد و دستکری، شکنجه و اعدام کارگری از چهره های سرشناس جنیش کارگری میهمنان، از یک سو و برخورد سرکوبکارانه رژیم با هرگونه اعتراض و حرکت کارگری و یا هر تلاشی برای ایجاد تشکل های مستقل صنفی از سوی دیگر توان سازمانی جنیش کارگری را تضعیف و بار تلاش ضرور برای احیاء، کسری و تقویت این جنیش را دوچندان کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی به خوبی از توان جنیش کارگری کشور مطلع است. سران رژیم این توان را در دهه های اخیر یکبار در جریان انقلاب بهمن ۵۷ و نقش عظیم طبقه کارگر و اعتصاب های کارگری در به زانو دراوردن رژیم شاه و بار دیگر در شکست مقتضانه وزیر سابق کار رژیم جمهوری اسلامی - توکلی مشاهده کرده اند. نبرد آکاهانه و سازمان یافته کارگران علیه قانون کار به رهبری حزب توده ایران، ارجاع را وادار کرد که قانون کار ضد کارگری خود را پس بگیرد. قانونی که علی رغم خواست جناح های حاکم بر جمهوری اسلامی، خصوصاً جناح رسالت تا به امروز همچنان در بایکانی ارجاع حاکم باقی مانده است. حتی تلاش های رژیم ایجاد تشکل های ظاهر کارگری مانند "امجمون های اسلامی کار" و "خانه کارگر" نیز تاکنون توانسته است مساله ضرورت ایجاد تشکل های مستقل صنفی را از دستور کار کارگران خارج سازد، بلکه با اوج کبری بحران اقتصادی - اجتماعی و خطر ورکستگی تعداد زیادتری از واحد های تولیدی کشور اهمیت این ضرورت را تشیدید کرده است.

ادامه در ص ۲

پنجاه سال از پیروزی بشریت متقد
بر فاشیسم گذشت
ص ۶

بیش از هفتاد و پنج سال از تاریخ جنیش کارگری و کمونیستی میهنمان می گذرد. طبقه کارگر ایران و متحдан طبیعی آن - دهقانان و زحمتکشان شهری، و نیروها و نمایندگان سیاسی آن در طول تمامی این تاریخ طولانی، پر رنج و مشقت، و آکنده از نبردهای خونین اسطوره ای، به دفعات اثبات کرده اند که بالنه ترین و انقلابی ترین نیرو برای ایجاد تحول و تغییر اساسی و سرنوشت ساز در کشور ما هستند.

آنطور که کمیته مرکزی حزب ما در اعلامیه اول ماه مه خود متذکر کردید کمتر توان یافت که طبقه کارگر ایران و نماینده سیاسی آن - حزب توده ایران نقش اساسی را به عهده نداشته باشند.

امروز در یکی از دشوار ترین ادوار تاریخ معاصر ایران، در حالیکه بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی کشور را فلجه کرده است و هیئت حاکمه مستبد و خائن به شکل داود طلبانه راه را برای ایجاد تحولات ضرور و حیاتی برای نجات کشور از شرایط بسیار خطربناک کنونی باز نماید، موضوع بررسی و درک وظایف نیروهای متقد و خصوصاً جنیش کارگری و کمونیستی ایران از اهمیت ویژه و حساسی برخوردار است.

جنیش کارگری و کمونیستی در شرایطی به استقبال این آزمون دشوار می رود که در دهه کذشته متحمل ضربات سختی از سوی ارجاع داخلی گردیده است. بورش خونین جمهوری اسلامی به حزب توده ایران و سایر

زنده باد آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

۳۷ - مین سالگرد شهادت...

این سخنان انسان والا، انقلابی برجسته و شهید بزرگ خلق رفیق خسرو روزبه است که در سر تراواه در سر تراواه با خائی شاه به جوشه اعدام سپرده شد.

خسرو روزبه در ۱۵ تیرماه از سر تراواه با خائی به نام علی متغیر به دام دژخیمان رئیم شاهنشاهی افتاد. دشمن در هراس از این تهمان بی باک خلق، انبوی از نیروهای مسلح خود را برای دستگیری وی پسیج کرده بود. بختیار و مامورانش خیابان مولوی را پسته بودند، اجدی و مامورانش در خیابان سیروس بودند و مصر و زیبایی در خیابان ری کشیک می دادند. در نبرد نایابری که بین ماموران امنیتی رئیم و روزبه درگرفت، روزبه مجروح و خونین دستگیر کردید. روزبه را ابتداء به پیمارستان و سپس به شکجه کاه قزل قلعه برداشت. روزبه ۹ ماه در شکجه کاه مرد فشار، آزار و اذیت دژخیمان قرار گرفت. شاه از طریق سرهنگ آنژووده جلا德 تلاش کرد تا مقاومت روزبه را درهم شکند. روزبه با استواری در پاسخ کفت: "مرا بر سر دوراهی قرار داده اند اما هرگز قدمی به این لجنزار کشف نزدیک خواهم شد...".

رفیق روزبه در دادگاه نظامی که برای او در همان دفتر زندان ترتیب داده بودند، دفاع درخشان و پرشوری را از حرب توده ایران و کارگران و زحمتکشان ایران به عمل آورد و بیدادگاه نظامی را به محکمه رئیم نامشروع و نوکر امپریالیسم بدل کرد. شاه مزدور خشمکین از جسارت و بی پرواپی رفیق روزبه در انشای ماهیت و چهره کریه استبداد و ایستاده سلطنتی حکم اعدام او را صادر کرد. رفیق روزبه در پاسخ به این ترهات و تهدید او به مرگ کفت: "مردن به هر حال ناکوار است. به ویوه برای کسانی که صاحب عقیده هستند و قلبشان آکنده از امید، امید به آینده روشن و تابناک است. ولی زنده ماندن بهر قیمتی به هر شرط نیز شایسته انسان ها نیست...".

او را به زندان حشمتیه انتقال دادند. سرهنگ بازنشسته محمد خیری که شاهد مراسم اعدام رفیق روزبه بوده لحظه تیرباران را چینن توصیف می کند: "به سریازان جوشه اعدام سلام کرد و اظهار داشت من می دام شما مقصرا نیستید. شما سریازان به منظور انجام وظیفه و همان اطاعت کورکورانه در اینجا کرد امده اید تا وطن پرستی مثل ما تیرباران کنید بر شما خرده نباید کرفت. او سپس با صدای رسالی کفت. جوشه کوش به فرمان من! سرهنگ جاوید خواست صدای او را محظ کند، ولی نتوانست. روزبه فریاد کشید:

مرگ بر شاه

زنده باد حرب توده ایران

و سپس دژخیمان شلیک کردند."

و بدین سان دفتر عمر قهرمان بزرگ خلق ما بdest مشتی جنایتکار مزدور بسته شد. ولی نام روزبه جاودانه شد و ایمان و مقاومت اسطوره ایش نموده. و نام جلادان او همراه با رئیم پوسیده سلطنتی به زیاله دان تاریخ پیوست.

حتی حکومت نظامی و جلادانی مانند اویسی نیز نتوانستند جلوی موج خروشان خلق را سد کنند و رئیم همچون خانه ای پوشالی در هم فرو ریخت. بی شک چنین شرایطی هنوز در کشور ما ایجاد نکردیده است و بدون تلاش و مبارزه آگاهانه نیز غی توفان انتظار داشت که چنین شرایطی بوجود آید. بیارزه برای ایجاد همه ای های مخفی سازماندهی در کارخانه ها، ادارات دولتی و نیمه دولتی در کنار ایجاد ساختارهای اجتماعی و از همه مهمتر تشدید تبلیغات و ترویج در جهت آماده کردن توده ها برای چنین نیزه سرنوشت سازی، از عمدۀ ترین وظایفی است که در پیش روی عناصر پیشوای چنیش کارگری و کمونیستی ایران و خصوصاً اعضا و هاداران حزب توده ها ایران قرار دارد. لینین سال ها پیش (دو سال پیش از پیروزی انقلاب اکتبر) در مورد شرایط مبارزه و چنونکی ارزیابی آن نوشت: "برای یک مارکسیست هیچ شکی وجود ندارد که انقلاب بدون وجود وضع انقلابی ممکن نیست و تازه هر وضع انقلابی نیز به انقلاب غیر انجامد. و اما

نشانه های وضع انقلابی به طور کلی کدامند؟ ۱- طبقه های فرمانروا امکان نداشته باشند فرمانروا ای خود را به شکل تغییر نیافته حفظ کنند و بحران در بالا موجب شکاف می شود... ۲- تشدید بیش از حد عادی فقر و بدینه مبارزه با کرانفروشی، در حالیکه خود ملاحله فعالیت توده ها که ناشی از شرایط و علل پیش کفته است." (لينین مجموعه آثار، جلد ۲۱، صفحه ۱۸۹-۱۹۵)

نکته کلیدی در ارزیابی بالا این است که از هر وضع انقلابی انقلاب پدید نمی آید. تغییر تنها هنکامی صورت می کیرد که افزون بر تغییرات عینی پیش کفته، تغییر ذهنی هم صورت کرفته باشد و این تغییرات هم عبارت است از توان طبقه انقلابی و متحдан او برای اجرام اقدام های انقلابی کستره و آماده سازی آنچنان چنیش وسیع و مردمی است که بتواند دستگاه دولت کهنه و استبدادی را درهم بکوید. برای سازماندهی چنین مبارزه ای افزون بر سازماندهی در میان توده ها ایجاد یک ستاد واحد سیاسی که بتواند نقش هماهنگ کننده را در شرایط حساس ایقاوه نماید نیز از ضرورت ویژه ای برخوردار است. شرکت همه نیروهای سیاسی کشور که از پایگاه اجتماعی برخوردار هستند، در این زمینه حیاتی و مهم است. ما باریکر نیروهای از ارادیخواه و میهن دوست را فرا می خوانیم تا با کنار گذاشتن اختلاف های جزئی هرچه سریعتر شرایط ایجاد یک ائتلاف وسیع و مترقی را برای نجات ایران فرامه آورند. حزب ما به نوبه خود آماده است تا تمامی توان خود را در این راه به کار کیرد.

جنیش کارگری و ...

بررسی کوتاهی از رویدادهای سال گذشته، اعتصاب ها و برخوردهای کارگران و زحمتکشان از جمله: اعتصاب سراسری رانندگان اتوبوس در شیراز (۲۰ فروردین ۷۲)، اعتصاب در سازمان آتش نشانی تهران (۱۰ اردیبهشت ۷۲)، تظاهرات وسیع و مردمی شهر قزوین (۱۲، ۱۳ اردیبهشت ۷۲)، اعتصاب کارگران تراکتور سازی (۱۴ مرداد ۷۲)، اعتساب (مهر ۱۳۷۲)، تظاهرات وسیع روسایران زنجان (۲۱ مرداد ۷۲)، تظاهرات روسایران پیرانشهر (مهر ۱۳۷۲)، اعتصاب بیش از ۱۶۰۰ نفر کارگر کارخانه سینم اصفهان (دی ۷۲)، اعتراض کارگران شرکت نفت (بهمن ۷۲) و بالاخره اعتراضات وسیع زحمتکشان "اسلام آباد"، میدان خراسان و ده ها اعتراض و اعتصاب دانشجویی از یک سو نشان می دهد که آمادگی در میان بخش های زحمتکشان "اسلام آباد"، میدان خراسان و ده ها وسیعی از مردم، خصوصاً کارگران و زحمتکشان برای نبرد با رئیم "ولایت فقیه" ایجاد گردیده است و از سوی دیگر نشان می دهد که اعتراض سازمان یافته و وسیع مردم توان وادار کردن رئیم به عقب نشینی را دارد. مانورها و عقب نشینی های تاکتیکی و اجرای خزندۀ برنامه حذف سویسیدهای، طرح به اصطلاح مبارزه با کرانفروشی، در حالیکه خود سران رئیم عمدۀ ترین مسؤولین کرانی کنوی هستند و تلاش و مانع وزارت کار از بسته شدن واحدهای بزرگ تولیدی و تشدید فعالیت خانه کارگر نشانکر هراس عمیق رئیم از تشدید و کسترهای برخوردهای اعتراضی مردم، خصوصاً کارگران، کارمندان و سایر زحمتکشان شهر و روستا هستند. با توجه به بررسی شرایط کنوی کشور و مجموعه شرایط جهانی، اوضاع نابسامان اقتصادی - اجتماعی رئیم نه تنها بهبود نخواهد یافت، بلکه با سرعت بیشتری روبه به و خامت خواهد رفت. در چنین شرایطی که بی شک به رشد ناازاری ها در کشور منجر خواهد شد، همه نشانه ها حاکی از آماده شدن رئیم برای روی اوردن به سرکوب هرچه بیشتر و خشن تر است. یورش وحشیانه به تظاهرات مردم "اسلام آباد" و آتش کشیدن به روی مردم از طریق هوا و زمین و کشتار ها تن، نشان داد که سران رئیم آماده اند تا با دست زدن به هر جنایتی ادامه حیات خود را ممکن سازند. در چنین شرایطی این سؤال مطرح می کردد که موثر ترین شیوه مبارزه با رئیم چیست. تجربه های موفق در انقلاب و همچنین کشورهای دیگر حاکی از این است که تنها با اعتراض سراسری و سازمان یافته وسیع ترین بخش های مردم است که می توان رئیم های دیکتاتوری را در هم کوپید. در دوران انقلاب بهمن نیز مین عربی تکرار گردید. مزدوران رئیم شاهنشاهی هر تظاهراتی را از اعتراض مردم در خیابان ژاله تا جلوی دانشگاه، در مشهد، اصفهان و قزوین در هم کوپیدند و صدها تن مردم بیکنای کشتار نیروهای سیاسی در کنار هم قرار گرفتند،

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

درس هایی از جنبش کارگری ایران

دست نشانده در خوزستان یا موقیت چشمکنیر کارگران پایان یافت. شکل صنفی و سیاسی طبقه کارگر در این دوره، این طبقه را به عنوان عامل سیاسی محولات اجتماعی در جهت تامین استقلال، آزادی و دموکراسی به جامعه ایران شناساند. علی رغم ضربات ارتقای سلطنتی به جنبش کارگری در سال های ۲۵ تا ۲۷ که به منظور جلوگیری از رشد جنبش سندیکایی و اتحادیه ای سازمان داده بود، طبقه کارگر و جنبش سندیکایی نقش مهمی در تامین پیروزی جنبش ملی شدن صنعت نفت ایفاء کردند.

موج اعتضابات کارگری و بویژه اعتضاب عظیم کارگران صنایع نفت در اوخر سال ۲۶ و اوایل ۳۰ نقشی بس اساسی در تصویب قانون ملی شدن نفت و به قدرت رسیدن دولت ملی دکتر صدق داشت. طبقه کارگر نه تنها در دوران تکوین و تدارک جنبش ملی شدن نفت، بلکه در جریان حوادث اصلی آن با نثار خون خود نقش اساسی و سرنوشت ساز در پیروزی این جنبش به عهده گرفت. یکی از فاکتورهای اساسی پیروزی جنبش ملی شدن، فعالیت علمی شورای متعدد کارگری و حزب توده ایران بود. تشکل سندیکایی در این دوره عامل عمده در پیشگیری کارگران در مبارزه برای ملی شدن صنایع نفت و پیروزی آن بود.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد و حاکم شدن حکومت پلیسی - ساواک، جنبش کارگری برای سال امکان فعالیت آزاد و مستقل صنفی را از دست داد. رژیم شاه در حالی که به ظاهر خود را پای پند اجرای قوانین کار و انگوهد می ساخت، در عمل وحشی ترین خصم تشکل های صنفی کارگران و زحمتکشان بود. به همین جهت از میان میلیون ها کارگر و زندگی خود موق شدند. ولیکن حتی سرکوب ساواک توانستند مانع مبارزات هدفمند اکاگانه طبقه کارگر و فعالین کارگری با مجریه بشود. اعتضابات عده سال های اختناق خود به روشنی خواست کارگران به مبارزه را نشان می دهد. این اعتضابات همکی ریشه در کارگران میارز و آگاه که به سازمانکری می توانند در مخالف کارگری پرداخته بودند، داشتند. اعتضابات بی شمار کارگران همه رشته ها در سال ۱۳۵۶ و بالآخره اعتضابات عظیم نفتکران در سال ۱۳۵۷ که از طریق کمیته های مخفی اعتصاب که عمده از کارگران با ساقه و سندیکالیست تشکیل شده بودند، اهمیت تشکیل هسته های مخفی فعالین کارگری را نشان می دهد. طبقه کارگر ایران در جریان انقلاب بهمن ۵۷، نه فقط با ادامه مبارزات اعتضابی خود در شرایط خطرناک تروریستی، حضور خود در صحنه سیاست کشور را حفظ شود، بلکه نقشی واقعی و حیاتی در تدارک انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایفا نمود.

ادامه در ص ۷

تاریخی راهی برای حرکت به جلو بیابند. سال های خلقان دوران رضا شاه، دوران رشد و شکوفایی جنبش سندیکایی در دهه ۵۰ و قبل از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، یک ربع قرن حکومت پلیسی شاه و ساواک، دوره اوج کبری جنبش اقلایی که متنه به انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ کردید و بالآخره دوره کنونی سرکوب جنبش کارگری توسعه رژیم "ولایت فقیه". هر یک از این ادوار جنبش کارگری در عین داشتن قانونگذاری خاص خود حاوی درس های کرانهای در برخورد با وضعیت های مشخص می باشد.

اینکه حتی در مراحل اولیه رشد جنبش سندیکایی و علی رغم برخورد خشن در دوران دیکتاتوری قاجار، کارگران پرپایه مبارزه مشکل خود توانستند دولت را به پذیرش ۸ ساعت کار روزانه و به رسمیت شناختن آزادی فعالیت سندیکایی مجبور و جشن اول ماه مه را به آزادی پرگار نمایند. غایشکر امکانات بالقوه موجود می باشد. حتی دیکتاتوری رضاخان که سرکوب جنبش سندیکایی و مانع از تشکل صنفی و طبقاتی را در رأس اهداف حکومتی سندیکایی بشود. در این دوره علی رغم جوانی و کمبود مجریه مبارزاتی جنبش اتحادیه ای توانست مخفیانه به حیات خود ادامه دهد و از طریق سازماندهی مخفیانه، تظاهرات و مخالفت ها با سلطه دیکتاتوری و غارت امپریالیستی مبارزه نماید. تشکل های اتحادیه ای در صنایع نفت، راه آهن و نساجی توانستند ضربات اساسی بر پیکر رژیم وارد نمایند. مشخصه ویژه این دوره سازماندهی مخفیانه کارگران در صنایع اصلی کشور و طرح خواست های مطالباتی کارگر سیز و آزادی کش "ولایت فقیه" خواهد بود.

اینکه اوضاع اقتصادی - اجتماعی در کشور شدیدا از هم پاشیده است، اینکه سران رژیم هرگونه امکان را برای بیرون آمدن از بحران همه جانبه و ایجاد وضعیت ماهیتا متفاوت در چارچوب نظام موجود از بین برده اند و اینکه وضعیت عینی بی شباهت با ماه های واپسین حکومت شاه نیست، این مسأله را عاجل می کند که به چاره جویی در قبال ضعف عده و مشخص جنبش، یعنی عدم پیوند ارکانیک اقدامات توده ای، پردازیم.

در شرایط مشخص کنونی و با در نظر گرفتن استعدادها و توانایی و عملکرد نیروهای سیاسی کشور کوشش در راه بوجود آوردن سطح معینی از ارتباطات و معاهمنگی در جنبش سندیکایی - اتحادیه ای کشور راه کشا خواهد بود.

اینکه چگونه پتوانیم خواست های طبقه کارگر را بکونه ای محوری در جنبشی که استخوان پندی اصلی آن زحمتکشان می باشد به جلو بیرم و بطور همزمان از پراکندگی حرکات اعتراضی بکاهیم، منوط به آن است که با نکریشی به بیش از ۸۰ سال جنبش مشکل کارگری در کشور و درس کبری از آن، به همراه طبقه و متحدا اقدامات راه کشایانه ای را سازمان دهیم.

زحمتکشان کشور و فعالین سندیکایی آن چندین دوره متفاوت تاریخی را از سر کذا و اند و در هر دوره توانسته اند با شم طبقاتی و هوشیاری

سبیلت رژیم در اسلام شهر توانسته است، همان طور که در قزوین، مشهد و شیراز و ده ها شهر دیگر توانست، اراده مردم به مبارزه اعتراضی را در هم بشکند. ولیکن آنچه که ذهن هر فعال کارگری و همه مبارزان راه آزادی را مشغول داشته ایست که چگونه می توان حلقه ارتباطی ای را بین این گونه های درخشنان خشم زحمتکشان ایجاد نمود که رژیم و کزمکانش توانند یک به یک این اعتراضات را منفرد ساخته و در هم بشکند. اعتقاد ما بر اینست که دکریاره این زحمتکشان میهن و کارگران آگاه و مبارز هستند که چون هر تحول دیگر تاریخ معاصر ایران کلید حل مشکل را بدست داشته و برپایه مجریات تاریخی مبارزاتی خود راه کشای مبارزه علیه رژیم کارگر سیز و آزادی کش "ولایت فقیه" خواهد بود.

اینکه اوضاع اقتصادی - اجتماعی در کشور شدیدا از هم پاشیده است، اینکه سران رژیم هرگونه امکان را برای بیرون آمدن از بحران همه جانبه و ایجاد وضعیت ماهیتا متفاوت در چارچوب نظام موجود از بین برده اند و اینکه وضعیت عینی بی شباهت با ماه های واپسین حکومت شاه نیست، این مسأله را عاجل می کند که به چاره جویی در قبال ضعف عده و مشخص جنبش، یعنی عدم پیوند ارکانیک اقدامات توده ای، پردازیم.

اینکه چگونه پتوانیم خواست های طبقه کارگر را بکونه ای محوری در جنبشی که استخوان پندی اصلی آن زحمتکشان می باشد به جلو بیرم و بطور همزمان از پراکندگی حرکات اعتراضی بکاهیم، منوط به آن است که با نکریشی به بیش از ۸۰ سال جنبش مشکل کارگری در کشور و درس کبری از آن، به همراه طبقه و متحدا اقدامات راه کشایانه ای را سازمان دهیم.

زحمتکشان کشور و فعالین سندیکایی آن چندین دوره متفاوت تاریخی را از سر کذا و اند و در هر دوره توانسته اند با شم طبقاتی و هوشیاری

اجتناب ناپذیر است. وی همه نیروهای نظامی ارتضش، سپاه و پسیج- را فراخواند که برای جنگ آماده شوند؟

بعران درونی که می تواند بحران بیرونی را تشدید کند

مدیریت فاسد و فاقد صلاحیت، کفایت و حس نیت که رژیم را در درون، منزوی و فاقد پشتونه مردمی ساخته است * موضوع اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومان از باشکن صادرات، که دست اندرکارانی از رژیم مرتكب آن شده اند، همچنان موضوع داغ و مورد بحث روزنامه های تهران و مردم است. یکی از شهرهای بزرگ نوشته: این اختلاس، تنها یک جرم شخصی نیست، بلکه به کارگیری ببالغ به سرقت رفتہ در معاملات ارزی، بحران بزرگ اقتصادی در کشور به وجود آورده است. این شهروند سپس پرسید: آیا دادگاه انقلاب به این غارت بیت المال مردم رسید کی خواهد کرد یا نه؟

برای نخستین بار و ماه ها پس از انتشار خبر اختلاس بزرگ از باشکن صادرات، یک شریه با محسن رفیق دوست، داماد رفسنجانی و رئیس «تراست» «بنیاد مستضعفان»، که برادر مرتضی رفیق دوست، عامل اصلی این اختلاس است، مصاحبه کرد. وی اختلاس توسط برادر خود را نادرست دانست و گفت: « فقط، ۶ میلیارد تومان بوده که چند بار «برداشت» و سرجایش کذاشته شده است! محسن رفیق دوست اختلاس کننده اصلی را فاضل خدادادی معرفی و اعتراف کرد که زهرا محتشمی، همسر برادرش، در این اختلاس شرکت داشته است (حکیم باشی دراز و بلا کردار شده است).

* رئیس سابق باشکن «رفاه» کارکران ساوه همراه با معاونش که حدود ۳۶۰ هزار تومان از مشتریان باشکن دریافت کرده بودند، دستگیر شدند.

* پرونده اختلاس وحیف و میل در معاونت سابق سینمایی وزارت ارشاد، به مبلغ ده ها میلیون تومان به جریان افتاد.

* دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه پیشین رژیم و رهبر کنونی نهضت آزادی، در مصاحبه ای با خبرگزاری فرانسه درباره تظاهرات مردم زحمتکش اسلام شهر و سرکوب خونین آن اعلام کرد: اگر رژیم به سیاست های سرکوبکرانه خود ادامه دهد، تظاهرات و درگیری های جدیدی در ایران روی خواهد داد. وی پیش بینی کرد که تظاهرات بعدی، کسترده تر و نیرومندتر از تظاهرات اسلام شهر خواهد بود. یزدی سپس گفت: تظاهرات خونین اسلام شهر واکنشی از خشم و آزاردگی مردم از اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور بود وی ضمن ابراز تأسف اتفاق: کروهی در درون رژیم تصور می کنند با اتخاذ سیاست سرکوبکرانه و پخش شعارهای توخالی و برخی اقدام های سطحی می توانند جلوی خروش ملت را بگیرند.



وارد می آورد.

واکنش ها و «هل می مبارزه» گویی ها و رجز خواهانی ها:

* « محمود محمدی، سخنگوی وزارت امور خارجه حکومت اسلامی، در واکنش نسبت به تصمیم یکشنبه شب کلینتون، گفت: «جهان اقتصاد بربای رقابت استوار است و ایران می تواند رقبایی برای آمریکا پیدا کند ». وی سپس اعلام کرد: تصمیم بیل کلینتون به زیان آمریکاست؛ قطع معاملات در کذشته نیز به سودشان نبوده است و در آینده هم به زیانشان خواهد شد.

* رادیوی ایران نیز به عنوان ابراز واکنش، اعلام کرد: علت این اقدام بیل کلینتون آن است که چون انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نزدیک است، وی می خواهد برای جلب حمایت کروه صهیونیست آمریکا، خوشنودی آنان را فراهم آورد، لیکن آثار و عواقب آن دامنگیر آمریکا خواهد شد. رادیوی ایران همچنین ابراز عقیده کرد که قصد آمریکا از تحریم این است که ایران از دانش و تکنولوژی معاصر و نوین محروم شود (در مورد انکیزه تبلیغ انتخاباتی بیل کلینتون، در ارتباط با محاذیف صهیونیستی آمریکا، که در پیروزی انتخاباتی، سرنوشت سازند، می توان حق را به رادیوی ایران داد زیرا، صرف نظر از اینکه این کونه ترقندها و بهره جویی های محیله ای از سنت های شناخته شده انتخاباتی دو حزب مطلق العنان آمریکاست، بیل کلینتون این تصمیم را در اجتماعی از یهودیان آمریکا، که رئیس کنکره یهودیان این کشور - از مدیران کمپانی کوننکو- نیز در میان آنان بود، اعلام کرد. و در مورد مخالفت آمریکا با دستیابی کشورهای جهان سوم به دانش و تکنولوژی معاصر نیز، که از نواده های ماهیتی امپریالیسم است، رادیوی ایران، صرف نظر از اینکه بلندگوی نظام بی انتظام غیر قابل توجیه است، ذیحق است).

در یک واکنش دیگر و متضاد با موقفیت رژیم که از معان آغاز، پایکاه مردمی نداشته است، سرشکر پاسدار، محسن رضایی اعلام کرد: روابری ناظمی میان ایران و آمریکا از این حافظ، همچنان، بر روسیه و چین فشار

خطرهای بحرانی که از بیرون جیات جمهوری اسلامی را تهدید می کند شدت یافت؛ هسته هایی که امپریالیسم از آن سود می جوید

« تروریسم و برنامه های بلند پروازانه »: بیل کلینتون، یکشنبه شب (۲۰ اوریل)، کام دیگری که از سوی خبرگزاری ما « جدی » توصیف شد، در راستای کسترشن تحریم اقتصادی علیه رژیم ایران برداشت، که پیداست دود آن به چشم خبرگزاری ها « بی سابقه » - اعلام داشت که هرگونه داد و ستد با حکومت اسلامی ایران را متوقف می سازد. کلینتون اقدام خود را با این مستمسک توجیه کرد که « می خواهیم به حکومت اسلامی و جهان نشان دهیم که به اقدام های قاطعانه علیه رژیم ایران دست خواهیم زد تا به تروریسم و برنامه های بلند پروازانه اش (منظور: کوشش برای دستیابی به سلاح هسته ای و کشتار ممکانی و نیز کارخانه غنی سازی اورانیوم، برای نیل بدین مقصد) پایان بخشمیم. منابع خبری سپس پیش بینی کردند که آمریکا تنها به این اقدام، بسند خواهد کرد، بل که قصد دارد کشورهای هم پیمان، از جمله ژاپن و مالک اروپا، را در این مورد به دنبال خود بکشد (سنت دیرین و دیریار امپریالیستی که از دوران سرکوب قیام های تای پینگ ها و پکنها در چین - در سال های ۱۹۶۴ و ۱۹۰۰ - تاکنون هیچ کاه فراموش نشده و تعطیلی پذیرفته است). قرار است، کلینتون موضوع تحریم کامل ایران را در اجلاس هفت کشور صنعتی که ۶ هفته دیگر در شهر هالیفاکس کانادا تشکیل خواهد شد مطرح کند. وی در این کنفرانس، تصمیم خود را در مورد اجرای تحریم کامل علیه ایران به آگاهی این کشورها خواهد رساند و هم پیمانان آمریکا را به اتخاذ تصمیم های مشابه دعوت خواهد کرد. کلینتون ضمن اعلام این نظر که تحریم، بهترین روش برای زیر فشار کذاشتن ایران است، گفت: در سه روز آینده، فرمان تحریم کامل را به موقع اجرا خواهد کذاشت. علیکه که کلینتون برای اعمال فشار و تحریم ذکر کرد این بود که قصد وی و اداره کردن حکومت اسلامی به انصراف از تلاش برای دستیابی به سلاح کشتار ممکانی و عملیات تروریستی است.

از جمله زمینه های پیشین این روند اعمال فشار، که می بایست به تحریم ایران ا gammad، باید بر کزارش وزارت خارجه آمریکا تأکید ورزید. وزارت خارجه آمریکا، چند روز پیش، در کزارش خود حکومت اسلامی را خطربنگ ترین رژیم دنیا توصیف کرد و از تلاش های سران رژیم در راستای دستیابی به سلاح هسته ای ابراز نکرایی کرد. در این کزارش همچنین آمده است که واشنگتن خواهد کوشید تا از رسیدن تکنولوژی هسته ای از چین و روسیه به ایران جلوگیری کند. لازم به یادآوری است که آمریکا از این حافظ، همچنان، بر روسیه و چین فشار

نامه و سیده از ایران

سردیبر محترم نشریه وزین نامه مردم

با سلام و ... سعادت این را نصیب ساخت که با نشریه شما آشنا شوی ... در نشریه شما خواندم که جهان اسلام تعطیل شده، گفتم مشروح خبر را برایتان بنویسم:

در ایران نشریه ای به نام «بررسی های تاریخی ایران» به مدیر مسوولی صاحب امتیازی پیچی شهدی و سردیبری غلامحسین مراقی به صورت دو ماه یکبار منتشر شد. شماره نخست «امداد و شهریور»، در پایان شهریور و شماره دوم «مهر و آبان» در پایان آبان و اوایل آذر پخش شد، سردیبر این نشریه به بازناخت تاریخ ایران، بخصوص از مشروطه به اینسو، پرداخت، در شماره دوم: «سالگشت ها» که نکرشی کوتاه بر تقویم تاریخ بود و به مقاله «وارونه پنداری و تحریف در تاریخ» که نقدی تند بر جلال آل احمد، غرب زدگی و داعیه حکومت اسلامی مورد نظر آل احمد بود به شدت ذهن توطنده کران ضد فرهنگ و آزادی را بر انگیخت. یادآوری می کنم که نقد آل احمد بخشی از کتاب ۱۵۰ صفحه ای در دست چاپ غلامحسین مراقی زیر عنوان «از سید جمال تا سید جلال» می باشد که ضمناً دفتر دوم کتاب «همسرایان» است.

نخستین واکنش ضد فرهنگی و ضد آزادی از سوی سردیبر روزنامه «رسالت» بود. وی در شماره ۲۵۸۷ مورخ ۶/۲۲ در صفحه اول و دوم زیر عنوان «مراقبت از ارزش های سید!» به غلامحسین مراقی تاخت و او را به شکنجه و زندان تهدید کرد و از مسوولین وزارت ارشاد خواست تا نشریه «بررسی های تاریخی ایران» را تعطیل کند.

«کیهان هوایی» در شماره ۱۱۱۲ / ۷ دی ماه ۲۵۸۷ در صفحه ۲۰ در ستون «در حواشی فرهنگ» با زبان الکن، نشریه «بررسی های تاریخی ایران» را به ریشند کرفت و در صفحه ۱۹ همان نشریه زیر عنوان «دفعی سطحی از ضد ارزشها» مقاله روزنامه «رسالت» را با تعديل چاپ کرد و دعمنشی خودش را با تحقیق

آنرا تحقیق کرد.

«روزنامه جمهوری اسلامی» نیز تا از قافله عقب نماند در ۱۱/۱۰/۷۲ در شماره ۴۱۹ زیر عنوان «تحریف در پوشش بررسی تاریخی!» در صفحه ۱۵ نشریه بررسی های تاریخی ایران را به دلیل مخالفت با جنگ ایران و عراق و فاجعه دانستن انقلاب اسلامی و نقد «غرب زدگی» آل احمد و دل سوزاندن برای توهه ای ها به شدت تخطه کرد و از وزارت ارشاد خواست که جلوی نشریه کرفته شود. به کوشش های از درفشانی این روزنامه می پردازم:

... به محلی کودتای ۲۸ مرداد می پردازد و آن را ناشی از «قدرت خواهی برخی از سران ملی و مذهبی و مشخصاً مخالف خوانی های آیت الله کاشانی و هراس فنودالها و سرمایه داران از قدرت کیری حزب توهه و بیم از رسیدن آنان (توهه ای ها) به حکومت» می داند و بدین ترتیب، بتوی تعفن وابستگی فکری خود به حزب توهه را در فضای نشریه تحت سردیبری خود می پراکند و ... و کلی فحاشی به سردیبر و حزب توهه ایران!

«سلام» نیز در شماره ۱۰۵/۱۴/۱۰ در ستون «السلام» به این قافله ناپذیردان پیوست و سرانجام ماهنامه بی نام و نشنان «یالشارات الحسین» در شماره دی ماه تعطیلی نشریه بررسی های تاریخی ایران را به صورت پخش زیراکس یک صفحه نشریه که خبر تعطیلی در آن بود، جشن کرفت.

کوتاه کلام، هیئت ۵ نفره نظارت بر مطبوعات سرانجام در نشستی در دیماه ۷۳ نشریه مورد بحث را حکم به توقیف دادند، آن هم به اتفاق آرا آقای غلامحسین کریاسچی نیز یکی از رای دهنده کان بود!

موج تعطیلی مطبوعات از آن پس آغاز شد، پس از «بررسی های تاریخی ایران»، نوبت توقیف «جهان اسلام» رسید ...

سومین قریانی «تکاپو»، آن هم به خاطر شعری از براهی بود و فاجعه را بنگریم که کوشان به خاطر تدارک در جمع اوری امضای نویسنده کان در مخالفت با سانسور باید چکوشه تنبیه شود!

آخرین خبر اینکه هفته نامه «پیام دانشجوی پسیجی» که در پی فشارهایی از طرف حکومتیان به «پیام دانشجو» تغییر نام داد، بالاخره به محاق تعطیلی کشیده شد.

و قریانیان بعدی؟ به زودی از راه می رستند، با دریغ و افسوس!

اطلاعیه ...

کشتار کروه دیگری از آزادیخواهان را به شدت محکوم می کند و دست یاری خود را به سوی همه سازمان ها، نیروها، شخصیت های مترقبی و آزادیخواه دراز می نماید. تا صدای اعتراض خود را علیه این پیاده کری ها بلند کنند. باشد که از تکرار وسیع جنایت کشتار زندانیان سیاسی ایران جلوگیری بعمل آید. در زیر اسامی و زندان محل اسارت زندانیان فوق الذکر جهت اطلاع اراده می کردد.

توده ایهای زندان تبریز

کریم طهماسب پور
حسن مجری تبریزی
محمد شجاعی

قدامیان زندان اوین

محسن قاردادش فرد
احمد باختنی
یوسف امیرکیان
مسلم تربیتی
عبدالکریم حضروی
سعید نوروز بیکی
حمید میرسعیدی
همايون میرسعیدی
علی آبادی
زندانی کرگان

کیوان خلخ آبادی (بهایی)
بهنام مهناقی (بهایی)

مجاهدین زندان اوین

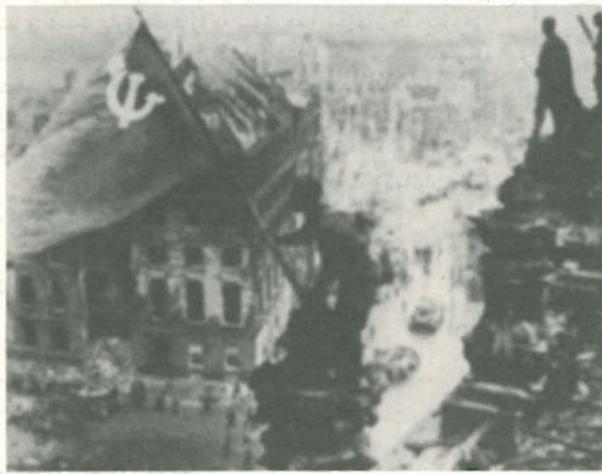
عباس علی پور
مجید حسینی
مجتبی حسینی
حمدی خزانی
فرشاد عزیززاده
 محمود مسکر
 منوچهر حسن زاده
 مجید صاحب جمع
حسین سلیمانی
مهرداد کلانی
حسین حیدری
فریبرز محمودی
ایرج یاوری
یاور سیستانی
ولی الله واحدی مرزنه کلاته
عباس محمدی فر
علی زارعی
اسدالله نبوی

مجاهدین زندان گوهردشت

وحید چیتکر
دادود سلیمانی اشرفی
پرویز باهو
اصغر خیری
مسعود دهناوی
مهرداد ابریشم کار

روابط عمومی کمیته مرکزی حزب توهه ایران
۳ ماه مه ۱۹۹۵ مطابق با ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۴

پنجمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم



محاکمات رسوایی و بی آبروی دیتروف و کمونیستها در دادگاه‌های فاشیسم آلمان که با تایید و کتف زدن سرمایه داری انحصاری جهانی برگزار گردید، نشانکر توظیه تاریخی زمینه سازی و پرووار فاشیسم به قصد نابودی سوسیالیسم بود. در این دادگاه‌ها بود که دیتروف و کمونیستها با دفاع دلاورانه خود پرده از بازی فجیع و جنایت بار امپریالیسم و ریشه‌های فاشیسم بر کرفتند.

اتفاقی نیست که کمونیست‌ها و نیروهای طرفدار سوسیالیسم در راس مبارزه‌ای قرار گرفتند که در کشورهای مختلف علیه فاشیسم آغاز گردید. نقش کمونیست‌ها در جنگ‌های پاریزانی در اتحاد شوروی، فرانسه، ایتالیا، یونان، بلژیک، هلند، داغارک و نروژ و در کشورهای اروپای شرقی خصوصاً در یوگسلاوی، چکسلواکی، بلغارستان، آلبانی و مجارستان و همچین مبارزه نیروهای مترقب در کشورهای آسیایی از جمله مبارزات قهرمانانه کمونیست‌ها در چین، ویتنام، کره و شکست ارتش ژاپن به دست ارتش شوروی در منچوری نقش فوق العاده مهمی را در شکست نهایی فاشیسم بازی کردند. در کشور ما نیز کمونیست‌ها به رهبری حزب توده ایران جنبش ضد فاشیستی در ایران را ایجاد گردند و نقش مهمی در شناساندن و افشاء ماهیت واقعی فاشیسم در ایران ایفاء نمودند.

پنجمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم در شرایطی در جهان برگزار می‌گردد که ما شاهد یورش نوین امپریالیست‌ها برای باز تقسم جهان در بی‌فروپاشی نظام سوسیالیستی در اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپای شرقی هستیم. شعله جنگ‌های خونین محلی، که دامنه آن به کشورهای اروپایی در شبه جزیره بالکان رسیده است، در کنار رشد بسیار نکران کننده و مجدد نیروهای طرفدار فاشیسم در فرانسه، ایتالیا و آلمان و از سوی دیگر رشد نیروهای افراطی راست در آمریکا و حاکم شدن ارتجاعی ترین و راست رو ترین نیروها در مراکز قانون کذاری این کشور، بار دیگر خالقات تلح و دردناک گذشتند چندان دور و فاجعه‌ای که بدست سرمایه داری و زیر لوای فاشیسم برای بشیریت ایجاد گردید را در اذهان زنده می‌کند. در چنین شرایطی است که دیگر بار نقش نیروهای مترقب، آزادیخواه و خصوصاً نیروهای طرفدار سوسیالیسم در جهان عمدۀ می‌گردد و وظایف سخت و دشواری در دستور کار ممۀ این نیروها قرار می‌گیرد. مقابله با نظم نوین جهانی امپریالیسم و ضرورت تشدید مبارزه با این تهاجمات، برای دموکراتیزه و انسانی کردن روابط بین المللی علیه مسابقه نوین تسلیحاتی و کسترش پیمان مجاوزک ناتو و بالاخره برای صلح و محابا جامعه بشری از ظهر جنگ هسته‌ای در کنار مبارزه برای رفع فقر و محرومیت از جمله وظایف مهمی است که پیش روی همه نیروهای انسان دوست و مترقب در جهان قرار دارد.

هشتم و نهم ماه مه، پنجمین سالگرد پیروزی بشریت مترقبی بر فاشیسم هیتلری است. این روز تاریخی روز شکست هیولای جنگ و نابودی است که از دل سرمایه داری انحصاری جمهوری آلمان بیرون آمده بود و در مدت کوتاهی جهان را به خاک و خون کشید. روز پیروزی بر نژادپرستی و عظمت طلی زائیده سرمایه داری. امسال پنجمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم در روز نه ماه مه در مسکو برگزار خواهد گردید و سران جهان از جمله رئیس جمهور آمریکا و صدر اعظم آلمان از مهمنان خارجی این مراسم هستند. برای دهه‌ها دستگاه‌های خبری امپریالیسم تلاش می‌کردند تا با واژگونه نشان دادن حقایق مربوط به جنگ دوم جهانی، آمریکا را به مثابه ناجی بشریت از شر فاشیسم معرفی کنند و باز شدن چبه دوم (با پیاده شدن نیروهای آمریکا، انگلیس و فرانسه در نورماندی) را نبرد تعیین کننده در اقام جنگ قلمداد نمایند. اگرچه نباید به نقش این حرکت در پایان دادن به جنگ کم بهاء داد ولی واقعیات و دلایل اساسی شکست فاشیسم، را می‌باشد در عرصه‌های نبرد قهرمانانه خلقی پیاخته جستجو کرد که با قاتم توان از انقلاب سوسیالیستی و کشور خود دفاع کرد و در یکی از کم نظریه ترین نبردهای مدهش تاریخ جامعه بشری با وجود همه دشواری‌ها و علی‌رغم قرار گرفت در مقابل یکی از مهم‌ترین مأشین‌های جنگی توانست با فداکاری کم نظریه این مأشین جهانی را در هم بکوبد و بشریت را از طاعون فاجعه بار فاشیسم رها سازد. پیروزی بر فاشیسم عمدتاً بدست توانای ارتش شوروی نخستین کشور سوسیالیستی - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی امکان پذیر گردید و هیچ مورخ عادلی را نمی‌توان یافت که در این حقیقت کوچکترین شکنی کرده باشد. تنها کافی است اشاره کنیم که از ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ تا ۹ ماه مه ۱۹۴۵ در جبهه‌های نبرد شوروی و آلمان ۶۰۷ لشکر مأشین جنگی هیتلر نابود شد و مردم شوروی قربانی‌های بی‌شماری دادند. در هر دقیقه نزدیک به ۱۰۰ نفر و به عبارت دیگر در هر شبانه روز نزدیک به ۱۴۰۰ نفر از مردم شوروی در این جبهه‌ها جان خود را از دست دادند. در مجموع مردم شوروی و خلق‌های این کشور ۲۰ میلیون قربانی دادند تا بشریت از بوج فاشیسم آزاد کردد. بر اساس آخرین برآورد تاریخ شناسان ارتش آلمان در جبهه‌های نبرد در شوروی بیش از ۵ میلیون از نفرات خود را از دست داد. نبرد تاریخی پای مسکو و استالین گردان، تقش ویژه‌ای در درهم کوبیدن مأشین جنگی هیتلر ایفاء کرد. از نظر مالی اتحاد شوروی معادل ۴۸۵ میلیارد دلار آمریکایی به ارزش سال ۱۹۴۱ خسارات اقتصادی دید.

نکته دیگری که در این میان کمتر به آنها اشاره می‌شود بروخورد نیروهای طرفدار سرمایه داری و راست و محافظه کار در برخورد با پدیده پیدایش فاشیسم در اروپا بود. نکاهی کذرا به آرشیو بسیاری از روزنامه‌های دست راستی سال‌های ۱۹۳۰ نشانکر حمایت این روزنامه‌ها از هیتلر و حزب نازی او می‌باشد. روزنامه دست راستی "دیلی میل" چاپ انگلستان پیروزی نازی‌ها و رسیدن هیتلر به صدراعظمی آلمان را در ۱۹۳۲ کام مشتبی در مقابله با خطر کمونیسم ارزیابی نمود. اتفاقی نیست که تنها پس از مدت کوتاهی هیتلر در ۲۷ فوریه ۱۹۳۳ توطه اتش زدن رایشتاب را سازماندهی نمود و بدین ترتیب یورش به کمونیست‌ها و نیروهای مترقب را آغاز کرد. این حقیقت تاریخی نیز فراموش می‌شود که دو روز پس از این ماجراه شرم اور بود که هیتلر توانست با رای حزب نازی، نیروهای ناسیونالیست و احزاب میانه رو فرمان اعطای اختیارات ناحدود به صدراعظم را به تصویب برساند و بدین سان دیکتاتوری فاشیسم را با تائید قانونی سرمایه داری و به منظور مقابله با کمونیسم و دموکراسی در آلمان رسمیت دهد. کتاب دائمه المعارف بزرگ بریتانیا در تأثیر این نظریه می‌نویسد. "هیتلر در کتاب معروف خود "نبرد من" ... بزرگترین خطر را برای نازی‌ها و فاشیسم نه نیروهای لیبرال - دموکرات، بلکه رشد و اوجکبری Weltanschaunug مارکسیست‌ها می‌دانست."

شرایط کار، تضمین شرایط سالم و ایمنی در محل کار، جلوگیری از بسته شدن کارخانجات، ایجاد تعاوی ها، مبارزه در راه ایجاد تامین اجتماعی سرباز زند و ظرفی عناصر آگاه و سندیکالیست های سباز تازاند حساب شده و برایه مقدورات این کارزارها و سعی در بوجود آوردن ارتباط زنده بین تشکل های موجود در سطح يك صنعت و حتی عالی تر بین صنایع و صنوف مختلف است.

آنچه که کارکران و زحمتکشان سازمان یافته در اختلاف و یا اعتراض شرکت داشته اند و یا اینکه به طور یکپارچه از مایندگان خود حمایت کرده اند، رژیم مجبور به قبول بخشی و یا تمامی خواسته های کارکران شده است، باید با صبر و حوصله اعتراضاتی را سازمان داد که توافقی تقویت و حس اعتماد و اطمینان به قدرت خود و نتیجه بخشی اقدام خود را در بین کارکران داشته باشد.

اقدام حساب شده و پیکر فعالان کارکری در شرایط کنوی می تواند در جهت رفع عنصر غایب جنبش مبارزاتی عمل نماید. لحظه کنوی در حیات رژیم کرچه نشانه از سببیت و خشونت آن دارد ولیکن نشانه های جدی از تزلزل و پوسیدگی آن را نیز به غایش کذارده است.

جنبیش سندیکایی کشورما، در تاریخ معاصر، هریاره از زیر بار سنگین شکنجه ها، پیکردها و ترورها قد راست کرده است. این قانونگذاری عام جنبش سندیکایی و اتحادیه ای کارکران و زحمتکشان ایران است. کارکران آگاه و مشتکل به دفعات نشان داده اند که در بدترین دورانها خفغان هم توانته اند با درک شرایط مشخص و شناسایی امکانات و سازماندهی مناسب مبارزه برای خواسته های اساسی خود و رهایی ملی را سازمان بدهند. در مبارزه حیاتی علیه رژیم جمل و جنایت نیز، کارکران ایران کلام آخر را خواهند کفت.

با مبارزات حزب و مردم میهن ما علیه رژیم دیکتاتوری حاکم بر ایران صمیمانه سپاسکزار هستیم. ما اطمینان داریم که این روابط نزدیک و رفیقانه در آینده هرچه بیشتر کسترش خواهد یافت.

اجازه دهید تا بار دیگر از فرصت استفاده کنیم و برای شما شرکت کنندگان در پانزدهمین کنکره حزب کمونیست هند (مارکسیست) و تمامی نیروهای مترقبی کشور شما آرزوی پیروزی در مبارزه برحقتان در راه برابری، صلح و عدالت اجتماعی بنماییم.

**پیروزی برای پانزدهمین کنکره
حزب کمونیست هند (مارکسیست)!**

زنده باد روابط ریقانه مهان احزاب ما!

زنده باد همبستگی جهانی پرولتاری!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۹ مارس ۱۹۹۵

و بسیج کردن همه کارکران، صرف نظر از تغایرات سیاسی- ایدئولوژیک انان، در این امر بود. تلاش رژیم برای تصویب بی سرو صدا و بدون اطلاع کارکران از ضمنون ارجاعی پیش نویس قانون کار با اقدام های متنوع کارکران به تشکیل سمتیارها، مصاحبه ها، جلسات رودریو جمعی کارکران با مقامات کارکری رژیم نقش بر آب می کردید. موقعیت عناصر فعال جنبش و سندیکاها در مرکز روی جنبه های صنفی و مسائل مورد علاقه کارکران و جلوگیری از تأثیر کذاری سوه دولت و ساختارهای دولتی، از عده ترین درس های این مبارزه پفرخ بود. بسیاری از کارکرانی که در بحث با دست اندکاران حکومتی در جلسات متعدد در سراسر کشور، با صراحت از خواسته های خود دفاع کرددند در حالیکه از مهره های شناخته شده جنبش سندیکایی نبودند ولیکن از طریق کار بسیج کر مستقیما در نتیجه این مبارزه است که رژیم مجبور می ای در مبارزه داشته باشد. غیر قوان کتمان کرد که کردد حق تشکیل سندیکاها کارکری را در قانون کار خود به رسمیت بشناسد. جنبش کارکری می تواند و باید از این حق استفاده کند. بهره جویی از نقطه ضعف های رژیم و مهارت در تنظیم برنامه کاری و شعارهای تشکل های اصلی کارکری می تواند در این مرحله تاریخی عمیقا موثر باشد. باید تلقیق مناسی از کار مخفی عناصر و هسته های آگاه کارکری و کار علی و پیکر در سندیکاها و دیگر تشکل های مجاز را بکار گرفت. (آنچاییکه ممکن است باید حتی با استناد به قانون کار اقدام به ایجاد سندیکا و اتحادیه کارکری در کارگاه خود). در شرایط بحرانی که رژیم دچار آن است حتی تشکل های ای صنفی زرد و فرمایشی مانند «شوراهای اسلامی کار» غیر توانند از قبول سطحی از مبارزه در راه افزایش دستمزد، بهبود

جمهایر شوروی سابق به دست سرمایه داری نشانگر مایه اصلی این سیستم غیر انسانی و در عین حال تقویت کننده اراده نیروهای مترقبی برای ادامه مبارزه و نجات بشیریت است.

برخورد های خونین قومی و مذهبی در سراسر جهان و از جمله در منطقه ما، در عراق، ترکیه و افغانستان که توسط نیروهای ارجاعی و اپسکرا و شرکت های تسليحاتی فرامی تشدید و کسترش می باید در شرایط کنونی بیش از هرچیز بر ضرورت هماهنگی همه نیروهای مترقبی که مخالف نظم نوین جهانی امپریالیسم اند تاکید می کند. ما خوشحالیم که در سال های اخیر نیروهای مترقبی در منطقه ما تلاش های کوناکونی را در این عرصه آغاز کرده اند و همکاری و هماهنگی میان نیروها، خصوصا احزاب کارکری و کمونیستی رویه کسترش می باشد.

رقاک

حزب توده ایران و رفقای هندی تاریخ طولانی از دوستی رفیقانه، همکاری نزدیک و همبستگی رزمجوانانه دارند. ما از همبستگی شما

درس هایی از جنبش...

ممعنی اگر رژیم شاه مانع از تشکیل طبقه کارکر در اتحادیه های کارکری نشده بود، طبقه کارکر نقش عظیم تری در جریان انقلاب ایفاء می شود و رخدادها در کشور جهت دیگری می یافته و سرنوشت مردم کشور این نمی بود که امروز شاهد آن هستیم. از مختصات مبارزات کارکران طی سال های تسلط رژیم کودتا آن بود، که کارکران قام اشکال مبارزات علی و پنهان علیه رژیم منفور و تسلط امپریالیسم را پکار گرفتند.

علی رغم نقش تعیین کننده زحمتکشان و فعالین کارکری در انقلاب بهمن، خیانت رهبران جمهوری اسلامی به آرمان های انقلاب و حاکم شدن ارجاع بزودی شرایطی را بوجود آورد که کارکران مشخصاً علیه آن قیام نموده بودند. اقدام رژیم به تحمیل یک قانون کار ارجاعی و مبارزه با نقش تعیین کننده هدایتکر حزب توده ایران علیه آن از برجسته ترین لحظات جنبش در سال های ابتدایی پس از انقلاب بود. پیش نویس پیشنهادی دولت که در تضاد با منافع و مصالح توسعه اقتصادی کشور و علیه منافع زحمتکشان تهیه شده بود با اقدامات جمعی کارکران و اعتراض گستردۀ انان با شکست روبرو گردید. مقاومت جنبش کارکری توطنۀ چندین وزیر کار متواتی رژیم را در جا انداخت پیش نویس قانون کار خشی نمود. عاقبت پس از سرکوب همه تشکل های ای صنفی و سیاسی طبقه کارکر و سلطه - شرایط ضد کارکری - ده سال پس از انقلاب رژیم موفق به تصویب قانون کاری ارجاعی و سرایا متنافق کردد. موقیت جنبش کارکری در مبارزه علیه پیش نویس قانون کار، در به کارگیری همه اشکال اعتراضی

حزب توده ایران در ...

آزمایش شده و نشان داده اند که پشتیبانان واقعی زحمتکشان کشورشان هستند، و از این رو است که از حمایت اشار و سیعی از کارکران و زحمتکشان برخوردار هستند. این مبارزه غونه درخشانی از مبارزه انقلابیون مصممی است که علی رغم دشواری های فراوان همچنان به مبارزه خود برای دستیابی به جامعه ای آزاد و رها و آینده ای سوسیالیستی ادامه می دهند.

پانزدهمین کنکره شما در شرایطی برگزار می شود که نیروهای مترقبی در جهان با یورش نوینی از سوی امپریالیسم جهانی برای قبضه کردن جهان روبرو هستند. ما خصوصاً شاهد تشدید یورش به مردم و کشورهایی هستیم که تصمیم گرفته اند در مقابل زورگویی های امپریالیسم بایستند. نیروهای مترقبی علی رغم برخی عقب کرده اند، به مبارزه خود برای رهایی بشیری از چنگال سرمایه انسحصاری ادامه می دهند. نابودی ساختار اقتصادی - اجتماعی کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و اتحاد

حزب توده ایران در پانزدهمین کنگره حزب کمونیست هند (مارکسیست)

پانزدهمین کنگره حزب کمونیست هند (مارکسیست) با شرکت بیش از هزار نایاب و نایاندکان احزاب برادر از ۱۹ حزب کارکری و کمونیستی جهان از تاریخ ۱ تا ۴ آوریل در ایالت پنجاب، جایی که کمونیست ها به نایاندکی بیش از ۸۶ میلیون نفر حکومت می کنند برگزار کردند. نایابه حزب توده ایران از جمله مهمانان خارجی شرکت کننده در کنگره بود.

کنگره کار خود را با سخنرانی رفیق سورجیت سینگ، دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست) آغاز کرد و با اتخاذ تصمیمات مهمی پیرامون استحکام بخشیدن و کسترسن صفوی حزب، و تشید مبارزه برای حل مشکلات مردم هندوستان از جمله فقر و بی عدالتی به کار خود پایان داد. نایابه حزب توده ایران در این کنگره با نایاندکان احزاب کارکری و کمونیستی از کشورهای مختلف از جمله فرانسه، کویا، کانادا، زبان، نپال و رفقاء رهبری حزب کمونیست هند (مارکسیست) دیدار و گفتگو کرد.

از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران پیامی به پانزدهمین کنگره حزب کمونیست هند (مارکسیست) ارسال کردیده بود که متن آن به شرح زیر است:

"رفقا عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران کرم ترین درودهای رفیقانه خود را به شما شرکت کنندکان در پانزدهمین کنگره حزب کمونیست هند (مارکسیست) و تمامی نیروهای مترقی هندوستان که برای عدالت اجتماعی، صلح و پیشرفت مبارزه می کنند تقدیم می کند.

ما اطمینان داریم که پانزدهمین کنگره شما قادر خواهد بود تا تصمیمات مهمی را برای تقویت حزب و متحدا آن در راه مبارزه برای آرمان های والای طبقه کارکر برای عدالت اجتماعی و برابری اتخاذ کند.

کمونیست های هند تاریخ طولانی از مبارزه پیکر در راه زحمتکشان و محرومان جامعه خود را دارند و بارها در کوره مبارزه ادامه در ص

آمریکا کوروه سلاح های اشی را روشن نگاه نماید

ستاد مشترک تشریح شد. به نوشته تیم ویلر از هفته نامه «دنیای مردم» چاپ آمریکا: «آنها رک و پوست کنده این استراتژی را تشریح کردند که در صدد مجبور کردن روسیه به ثابتی کلیه سلاح های اتی خویش هستند در حالی که خود مشغول مدرن سازی سلاح های اتی می باشند. ولیام پری این استراتژی را (رهبری و محاصره) می خواند و می کوید آمریکا باید رهبری تقلیل هرچه بیشتر و دائمی سلاح های اتی را در روسیه به دست کشد. و در همان حال با سیاست محاصره مانع رویکردانی از اصلاحات و بازگشت این کشور به دوران اقتدار نظامی و خصوصی با آمریکا بشود مضافاً اینکه این کشور هنوز بیست و پنج هزار سلاح اتی در اختیار دارد». و در همین زمینه جان داج می کوید: «برای بیل کلینتون این مطلب روشن است که نکهداری نیروی اتی باقی مانده از دوران جنگ سرد برای موقع پیش بینی نشده ضروری است وی سپس با اشتیاق فراوان ادامه می دهد که بگذارید اعلام کنیم که جنبه های مهم بی شماری وجود دارد که ما را مجبور به کنترل و تحت فرمان قرار دادن سلاح های اتی خود در راه بالا بردن امنیت، آسایش و استفاده از سلاح ها می نماید!!!».

ینجا سال پس از استفاده از سلاح های اتی برای کشتار دویست هزار نفر از اهالی هیروشیما و ناکازاکی، هنوز مقامات ارشد آمریکایی استفاده از سلاح اتی را به عنوان یک راه حل مدنظر دارند. جهت کیری آمریکا در مورد سلاح های اتی پیشنهاد می کنند که قراردادهای آینده باید تحت بررسی داشمی و با پیشرفت در حذف سلاح های اتی منعقد گردند. آمریکا با بربا کردن یک کارزار زورمدارانه در صدد بازگزینی مقاد عهدنامه پیشین بدون از بین بردن سلاح های موجود می باشد. در ماه سپتامبر گذشته برنامه کار دفتر ریاست جمهوری آمریکا در مورد سلاح های اتی در یک کنفرانس مطبوعاتی در پنتاکون به وسیله ولیام پری، وزیر دفاع، معاون وی جان واج (که به تازگی از طرف کلینتون به ریاست سیا تعیین شده است) و ژنرال جان شالی کاش ویل رئیس

برگرفته از هفته "نامه کاردهین"

ارکان حزب سوسیالیست استرالیا

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه اتفاقیابی است!

